

۱- ضرورت قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی

قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث در حیطه اقتصاد سیاسی و بخصوص اقتصاد داخلی می‌باشد. التزام به ایجاد روابط بازرگانی با کشورهای مختلف - بویژه کشورهای بی‌بهره لحاظ نظام اقتصادی در تباین نیستند - از جهت گشاینده بحث در زمینه اقتصاد سیاسی قیمت‌گذاری (کالاهای وارداتی) بوده و ساخت اقتصاد داخلی - بخصوص در شرایطی که کنترل قیمت‌ها الزامی است - زمینه‌های مساعد و عملی قیمت‌گذاری (کالاهای وارداتی) را فراهم می‌آورد. در این مقاله کوشش خواهد شد تا به ضرورت قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی (هم‌زنبه اقتصاد سیاسی و هم‌زنبه اقتصاد عملی) پرداخته شود. بدیهی است هر دو مورد با وضعیت فعلی ایران انطباق داده خواهد شد و تلاش‌هایی که احتمالاً در این زمینه‌ها صورت گرفته است مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی از دیدگاه اقتصاد سیاسی
.....

نقش، اهمیت ضرورت و تأثیرات قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی در بازرگانی خارجی را از زوایای گوناگونی می‌توان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. بدون تردید یکی از بنیادین - و شاید مهمترین - این زوایا نگرش از دیدگاه اقتصاد سیاسی نوین برای این موضوع می‌باشد. چنین نگرشی بویژه برای کشور جمهوری اسلامی ایران که در پی پیروزی انقلاب اسلامی مصمم به اجرای تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی خود،

تحت عنوان "اقتصاد اسلامی" می‌باشد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است .
از جمله محورهای اساسی در ارتباط نظام‌های گوناگون اقتصادی
و همچنین کشورهای مختلف با یکدیگر، محور بازرگانی خارجی می‌باشد که
در بطن آن مبانی دلات متفاوتی صورت می‌پذیرد . مهمترین این دادوستدها ،
مبادله کالا و خدمات است . بدیهی است آنچه از جهات گوناگون در این
مبادلات نقش تعیین‌کننده و مهمی را ایفا می‌نماید، ارزش و به عبارتی
قیمت کالا و خدمات مورد مبادله می‌باشد . در این فرآیند نکات بسیار مهمی
وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در قالب سئوالاتی مشخص و به صورت زیر خلاصه
نمود :

۱- قیمت‌های مذکور بر اساس چه ضوابط، معیارها و ملاک‌هایی تعیین
و تنظیم می‌گردند؟

۲- نقش هر یک از عوامل موثر (موجود) در مبادلات چیست؟

۳- در صورت وجود اختلافات اصولی در معیارها ،
ضوابط و ارزشهای طرفین مبادلات - به
حفاظت نوع نظام و توانمندی‌های اقتصادی کسبه
به نایب‌بری در اعمال ضوابط و معیارها
می‌انجامد - چگونه می‌توان نابرابری‌ها را تا حد امکان کاهش داد؟
به هنگام پاسخ‌دادن به سئوالات فوق ضرورت قیمت‌گذاری

کالاهای وارداتی (از دیدگاه اقتصاد سیاسی) روشن خواهد شد .

یکی از مهمترین ویژگیهای تقسیم‌کار بین المللی تعیین قیمت
جهانی برای بسیاری از کالاها و خدمات می‌باشد . جهانی بودن قیمت لزوماً
به معنای سهم‌بودن کلیه کشورهای در تعیین آن نمی‌باشد . در عمل به همان
اندازه که تقسیم‌کار بین المللی ناچاراً دلالت‌ناپذیر است تعیین
قیمتهای جهانی که ناشی از آن است نیز ناچاراً بر و حتی ناچاراً ترمیم می‌باشد .

تعیین قیمت‌های جهانی برای کالاها و خدمات - صرف نظر از مسائل جانبی خاصی که در این ارتباط وجود دارد - به طور عمده متأثر از نوع کالا و سهم تولیدکننده و یا متقاضی در تولید و تقاضای جهانی آن می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه تولیدکننده و یا متقاضی متعلق به کدامیک از نظام‌های اقتصادی موجود است، از مناسبات حاکم بر آن نظام تأثیر می‌پذیرد. از آنجا که کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته - با توجه به آمارهای ارائه شده در جدول شماره ۱ - سهم عمده‌ای از کل مبادلات جهانی (صادرات و واردات) را در اختیار دارند، هم در جایگاه متقاضی و هم در جایگاه عرضه‌کننده به عنوان عامل مؤثر در تعیین قیمت‌های جهانی قلمداد می‌شوند. چنانچه ملاحظه می‌شود این کشورها با داشتن بیش از ۶۰ درصد از صادرات و واردات جهانی در طی سال‌های (۱۹۸۶ - ۱۹۵۰) همواره نافذترین گروه در تجارت جهانی - و در نتیجه تعیین قیمت‌های جهانی - بوده‌اند. این در حالی است که سایر کشورها، نظیر کشورهای جهان سوم با دارا بودن سهمی کمتر از ۳۰ درصد در طی سال‌های مذکور با توجه به تعداد و ساختارهای اقتصادی‌شان همواره از کم نفوذترین و آسیب پذیرترین - گروه‌های اقتصادی در تجارت جهانی و به دنبال آن قیمت‌های جهانی بوده‌اند. (از این لحاظ موقعیت کشورهای سوسیالیستی به دلایل مختلف متمایز می‌گردد). از طرف دیگر کالاهای ارسالی توسط کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته به عرصه تجارت بین‌المللی عمدتاً "کالاهای نهائی ساخته شده و صنعتی بوده که به دلیل ساختار انحصاری حاکم بر این گونه کشورها عرضه آنها و در نتیجه قیمت‌هایشان توسط همین کشورها کنترل می‌گردد. در حالی که کالاهای ارسالی توسط کشورهای در حال توسعه به طور عمده مواد خام، اولیه و یا غذایی بوده که در بسیاری از موارد سهم عمده‌ای نیز در تجارت جهانی دارا نمی‌باشند. و بدین ترتیب کشورهای جهان سوم، هم

جدول شماره ۱- سهم گروه کشورهای مختلف جهان (کشورهای پیشرفته - سرمایه‌داری کشورهای در حال توسعه و کشورهای سوسیالیستی) در صادرات و واردات جهانی ۱۹۸۶ - ۱۹۵۰

کشورهای سوسیالیستی (اروپا + آسیا)		کشورهای در حال توسعه		کشورهای پیشرفته با اقتصاد بازار (سرمایه‌داری)		سال
۷/۹	۸/۱	۲۷/۲	۳۱/۱	۶۴/۹	۶۰/۸	۱۹۵۰
۸/۳	۱۰/۱	۲۴/۹	۲۵/۸	۶۵/۷	۶۴/۱	۱۹۵۵
۱۲/۴	۱۲/۲	۲۲/۶	۲۹/۱	۶۴/۹	۶۵/۹	۱۹۶۰
۱۱/۹	۱۲/۰	۱۹/۵	۲۰/۱	۶۸/۶	۶۷/۹	۱۹۶۵
۱۰/۶	۱۰/۷	۱۷/۹	۱۸/۴	۷۱/۶	۷۰/۹	۱۹۷۰
۱۱/۳	۹/۸	۲۱/۶	۲۴/۵	۶۷/۰	۶۵/۶	۱۹۷۵
۸/۸	۸/۸	۲۲/۹	۲۸/۶	۶۸/۲	۶۲/۵	۱۹۸۰
۹/۲	۹/۲	۲۵/۵	۲۸/۶	۶۵/۳	۶۲/۱	۱۹۸۱
۹/۶	۱۰/۴	۲۵/۵	۲۶/۸	۶۴/۹	۶۲/۸	۱۹۸۲
۱۰/۳	۱۱/۲	۲۴/۲	۲۵/۴	۶۵/۵	۶۳/۴	۱۹۸۳
۹/۹	۱۰/۷	۲۲/۸	۲۵/۱	۶۷/۳	۶۴/۱	۱۹۸۴
۱۰/۸	۱۰/۵	۲۰/۸	۲۳/۶	۶۸/۴	۶۵/۸	۱۹۸۵
۱۰/۷	۱۰/۷	۱۹/۰	۱۹/۹	۷۰/۲	۶۹/۵	۱۹۸۶

مأخذ: United Nations; Handbook of International Trade and Development Statistics. (N.Y,U.N 1987) P.P 27,29.

به لحاظ سهم خود در تجارت جهانی، و هم به جهت کالاهای رسالویه صحنه تجارت جهانی از موقعیت بسیارضعیفی در تعیین قیمت‌های جهانی کالاهای و خدمات برخوردارند. این تصویر می‌تواند در بردارنده مسائل لویه صورت زیر باشد.

اولاً: با توجه به این نکته که کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری سهم عمده‌ای در مبادلات و همچنین تعیین قیمت‌های جهانی دارند، قیمت‌های تعیین شده به طور دقیق تبلوری عینی از ارزشهای حاکم بر مناسبات اقتصادی این گونه جوامع می‌باشد. بدون تردید ارزشهای متبلور شده در قیمت‌های جهانی از طریق تجارت خارجی به سایر کشورها - بویژه کشورهای کم‌وابستگی قابل ملاحظه‌ای به تجارت خارجی دارند - قابل انتقال می‌باشند. انتقال ارزشها، زمانی که مبادلات، بین کشورهای بی‌نظام اقتصادی همگون هم توان صورت می‌پذیرد، مشکل چندانی در بر ندارد. اما اشکال اساسی زمانی آغاز می‌شود که مبادلات، بین کشورهای بی‌نظام و قدرت اقتصادی متفاوت صورت پذیرد. در این حالت با توجه به اینکه کدام کشور در تعیین قیمت جهانی نقش غالب را ایفا می‌نماید، کشور مقابل مجبور خواهد بود به منظور جلوگیری از نفوذ ارزشهای - احتمالاً - متفاوت طرف مقابل، اقدام به اصلاح، تعدیل و تطبیق قیمت‌های جهانی، متناسب با روابط و ارزشهای نظام خود نماید. این امر می‌باید با ید با قاطعیت در مورد اغلب کالاهای وارداتی صورت پذیرد. در حال حاضر بسیاری از کشورهای سوسیالیستی در مبادلاتی که با کشورهای غیر سوسیالیست دارند چنین ملاک‌هایی را ملحوظ می‌دارند، از این رو قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی

(۱) ر. ک: ژان مارشفسکی، پژوهشی در برنا مهریزی سوسیالیستی، ترجمه منوچهر فرهنگ، (تهران، دانشگاه ملی ۱۳۵۵)، صص ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۴۹.

به منظور جلوگیری از نفوذ ارزشهای حاکم بر نظام اقتصادی کشورهای بی کسب سهم عمده‌ای در تجارت جهانی داشته و قیمت‌های جهانی را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهند ضرورت دارد. در صورتی که چنین امر مهمی مورد توجه قرار نگیرد - بویژه هنگامی که کشور به شدت به تجارت خارجی وابسته است ارزشهای حاکم بر مناسبات نظام سرمایه‌داری، پذیرفته تعلق شده و نظام اقتصادی کشور در روند ادغام و یکپارچگی نامتناسب با نظام سرمایه‌داری جهانی قرار می‌گیرد.

ثانیا: " شواهد موجود حاکی از آن است که قیمت‌های تعیین شده^۱ جهانی، که کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در آن نقش اساسی دارند همواره در جهت حفظ و تامین منافع همین کشورها تعیین گردیده است - جدول شماره ۲ بیا نگر حقایقی در این راستا مویا شد. قیمت‌های جهانی کالاها به گونه‌ای تعیین می‌شود که همواره به زیان کشورهای کم‌نفوذ - بویژه کشورهای جهان سوم - مویا شد. بر اساس آن ما موجود در این جدول قیمت‌های تعیین شده در بازار جهانی برای کالاهای کشورهای سرمایه‌داری جهان سوم به گونه‌ای است که اغلب رابطه^۲ مبادله (شاخص قیمت کالاهای صادراتی به کالاهای وارداتی) و همچنین قدرت خرید صادرات این کشورها در حال کاهش و سقوط مویا شد. این مساله خود بخود از مهمترین آثار ناشی از بافست تعیین قیمت‌های جهانی کالاها (بر اساس مناسبات سرمایه‌داری) است. در این رابطه لازم است بدانیم که "در دنیای سرمایه‌داری امروز برای تعیین قیمت، دو نظام مجزای از هم وجود دارد. گوا اینکه این دو نظام

(۱): تأثیر شوک‌های نفتی در بهبود موقت رابطه مبادله، تغییرات کیفی کالاهای صادراتی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در مقابل کیفیت ثابت مواد اولیه صادراتی کشورهای در حال توسعه و پایین بودن کسب درآمدی تقاضا برای مواد اولیه، در مقایسه با کالاهای صنعتی، از جمله عواملی هستند که در این رابطه نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند.

جدول شماره ۲- شاخص رابطه مبادله و قدرت خرید مادات کشورهای پیشرفته و در حال توسعه ۱۹۸۷-۱۹۶۰
(۱۰۰ = ۱۹۸۰)

کشورهای در حال توسعه		کشورهای پیشرفته با اقتصاد بازار (سرمایه داری)		سال
قدرت خرید مادات	شاخص رابطه مبادله	قدرت خرید مادات	شاخص رابطه مبادله	
۲۴	۵۱	۲۸	۱۱۷	۱۹۶۰
۳۰	۲۶	۳۹	۱۲۱	۱۹۶۴
۳۰	۲۲	۴۱	۱۲۰	۱۹۶۵
۳۲	۴۵	۴۴	۱۲۰	۱۹۶۶
۳۱	۴۱	۴۷	۱۲۰	۱۹۶۷
۳۴	۴۲	۵۴	۱۲۰	۱۹۶۸
۳۸	۴۲	۶۰	۱۱۹	۱۹۶۹
۴۴	۴۲	۶۶	۱۲۲	۱۹۷۰
۴۵	۴۳	۷۱	۱۲۲	۱۹۷۱
۴۹	۴۲	۷۹	۱۲۳	۱۹۷۲
۵۸	۴۵	۸۷	۱۲۲	۱۹۷۳
۸۳	۸۰	۸۲	۱۰۸	۱۹۷۴
۷۱	۷۹	۸۰	۱۰۹	۱۹۷۵
۸۴	۷۹	۸۸	۱۰۹	۱۹۷۶
۸۶	۸۰	۹۰	۱۰۶	۱۹۷۷
۸۳	۷۵	۹۷	۱۰۸	۱۹۷۸
۹۳	۸۳	۱۰۳	۱۰۷	۱۹۷۹
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۹۸۰
۱۰۳	۱۰۹	۱۰۰	۹۸	۱۹۸۱
۹۲	۱۰۴	۱۰۱	۱۰۰	۱۹۸۲
۸۹	۹۷	۱۰۵	۱۰۱	۱۹۸۳
۹۴	۹۸	۱۱۴	۱۰۰	۱۹۸۴
۸۹	۹۵	۱۱۹	۱۰۱	۱۹۸۵
۸۲	۷۲	۱۳۴	۱۱۱	۱۹۸۶
۹۲	۷۷۰	۱۳۹	۱۱۴	۱۹۸۷

نقاط مشترکی نیز با هم دارند در مورد محصولات اساسی و اولیه، قیمت‌ها در اثر روابط بین تقاضا و عرضه تغییر می‌کنند، و در مورد تولیدکنندگان یک نظام قیمت‌گذاری، اضافه‌برهزینه تمام شده حاکم است. بدین معنی که واحدهای تجاری ذیربط قیمت فروش خود را از جمع قیمت تمام شده بعلاوه درصد معینی برای سود تعیین می‌کنند^(۱) و این دقیقاً " همان عملی است که در مورد کالاهای مختلف صورت می‌پذیرد.

بدیهی است تحت چنین شرایطی - حداقل در کوتاه مدت صحبت از افزایش سهم کشورهای جهان سوم و در حال توسعه در تجارت جهانی و لذا در تعیین قیمت‌های جهانی - امکان پذیر نیست و این در حالی است که آثار این روابط نابرابر به نحو بارزی مشهود است. در اینجا نیز قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی - به صورتی که کالاهایی با قیمت‌های بی‌ساز انداز بالا و یا نامتناسب با اقتصاد کشور، وارد نگردند - و تجدیدنظری اساسی در قیمت‌های تعیین نشده جهانی از راه‌های مقابله با این امر است. اکنون در این ارتباط نگاهی به وضعیت ایران می‌اندازیم.

ایران از جمله کشورهای جهان سوم است که سهم قابل ملاحظه‌ای در تجارت جهانی - به گونه‌ای که در تعیین قیمت‌های جهانی (در راستای منافع ملی خود) تاثیرات عمده‌ای داشته باشد - ندارد. به طوری که بر اساس آمارهای موجود - ارائه شده در جدول شماره ۴ - در طی سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۸۶ (از ۱۳۲۹ تا ۱۳۶۵ ه. ش) سهم ایران در تجارت جهانی به طور متوسط کمتر از یک درصد بوده است، و این در حالی است که واردات ایران نسبت به کل تولید ناخالص ملی آن از سهم قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشد. این مطلب به وضوح در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. با توجه به این مطالب نکات قابل توجهی در این رابطه وجود دارد که مختصراً " بدانها

(۱) - جون رابینسون، جنبه‌هایی از توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه علی گلریز، (تهران، نشرنی، ۱۳۶۵) ص ۱۰۸

جدول شماره ۳- سهم جهان و ایران در صادرات و واردات و درصد سهم ایران — نسبت به جهان (۱۹۵۰-۱۹۸۶) واحد: میلیون دلار

سال	جهان		ایران		سهم ایران نسبت به جهان	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
۱۹۵۰	۶۰۷۰۰	۶۳۶۰۰	۶۰	۲۱۶	۰/۰۹	۰/۳۳
۱۹۶۰	۱۲۹۱۰۰	۱۳۶۰۰۰	۸۱۵	۶۵۰	۰/۶۳	۰/۴۷
۱۹۷۰	۳۱۵۱۰۰	۳۲۸۳۰۰	۲۶۲۳	۱۶۶۲	۰/۸۳	۰/۵۰
۱۹۷۵	۸۷۵۵۰۰	۹۰۳۷۰۰	۲۰۲۱۲	۱۰۳۴۳	۲/۳۰	۱/۱۴
۱۹۷۹	۱۶۴۳۹۰۰	۱۶۹۰۰۰۰	۱۹۹۷۵	۹۷۳۸	۱/۲۱	۰/۵۷
۱۹۸۰	۲۰۰۲۰۰۰	۲۰۶۲۲۰۰	۱۴۱۰۶	۱۲۲۵۰	۰/۷۰	۰/۵۹
۱۹۸۱	۱۹۷۶۲۰۰	۲۰۴۵۶۰۰	۱۲۵۸۷	۱۲۵۴۹	۰/۶۳	۰/۶۱
۱۹۸۲	۱۸۳۲۴۰۰	۱۹۱۰۵۰۰	۱۹۴۱۴	۱۱۵۳۹	۱/۰۵	۰/۶۰
۱۹۸۳	۱۸۱۰۸۰۰	۱۸۸۰۳۰۰	۲۰۲۴۷	۱۸۲۹۶	۱/۱۱	۰/۹۷
۱۹۸۴	۱۹۰۴۶۰۰	۱۹۸۷۰۰۰	۱۳۲۲۳	۱۵۳۷۰	۰/۶۹	۰/۷۷
۱۹۸۵	۱۹۲۳۴۰۰	۲۰۲۵۸۰۰	۱۲۳۷۸	۱۱۶۳۵	۰/۶۴	۰/۵۷
۱۹۸۶	۲۱۱۳۶۰۰	۲۲۱۳۱۰۰	۸۵۰۰	۱۰۳۵۹	۰/۴۰	۰/۴۶

مأخذ: United Nations, Handbook of International Trade and Development Statistics. 1987.p.

جدول شماره ۴- تولید ناخالص ملی ، واردات و درصدها و واردات
نسبت به تولید ناخالص ملی ۱۳۴۰ - ۱۳۶۴

درصد واردات نسبت به تولید ناخالص ملی	واردات	تولید ناخالص ملی	سال
۱۶/۳۱	۵۲/۵	۳۲۱/۷	۱۳۴۰
۱۶/۱۳	۸۱/۴	۵۰۴/۶	۱۳۴۵
۲۱/۵۹	۱۹۹/۳	۹۲۲/۹	۱۳۵۰
۲۷/۶۰	۱۲۹۵/۰	۴۶۹۱/۷	۱۳۵۵
۲۵/۴۹	۱۴۹۱/۴	۵۸۴۹/۵	۱۳۵۶
۲۰/۶۴	۱۱۰۳/۳	۵۳۴۳/۸	۱۳۵۷
۱۴/۴۳	۹۲۲/۷	۶۳۹۰/۸	۱۳۵۸
۱۵/۷۰	۱۰۸۸/۹	۶۹۳۲/۴	۱۳۵۹
۱۵/۵۵	۱۳۰۰/۱	۸۳۵۵/۸	۱۳۶۰
۱۱/۶۲	۱۲۵۰/۹	۱۰۷۵۶/۳	۱۳۶۱
۱۳/۴۶	۱۸۵۰/۶	۱۳۷۴۲/۸	۱۳۶۲
۱۰/۶۸	۱۶۰۵/۲	۱۵۰۱۸/۲	۱۳۶۳
۶/۷۸	۱۰۳۵/۷	۱۵۲۷۲/۲	۱۳۶۴

International Monetary Fund. International: مأخذ
Financial Statistics 1987, P.403.

اشاره می‌گردد:

- ۱- سهم ایران در تجارت جهانی سهم قابل ملاحظه‌ای نیست، از این رو سهم قابل توجهی در تعیین قیمت‌های جهان نیز دارا نمی‌باشد.
- ۲- تنوع در کالاهای وارداتی و تمرکز در طرف‌های خاص تجاری تاثیرات سهم‌اندک فوق را نیز کاهش داده است.
- ۳- سهم واردات نسبت به کل تولید ناخالص ملی سهم قابل ملاحظه‌ای بوده است.
- ۴- براساس موارد فوق، قریب به ۲۰ درصد از تولید ناخالص ملی ایران مستقیماً تحت مناسبات اقتصادی و غیرملی تعیین قیمت می‌گردند.
- ۵- این مناسبات اقتصادی غیرملی به دلیل نفوذ کشورهای سرمایه‌داری در تجارت جهانی از سوئی، و شکل‌گیری مبادلات بازرگانی ایران با این گونه کشورهای از سوی دیگر، عمدتاً "مناسبات سرمایه‌داری" (در شکل جدید آن) می‌باشند.
- ۶- قیمت‌های تعیین شده براساس مناسبات سرمایه‌داری، نه می‌توانند و نباید بدون تعدیل و تغییر، در اقتصاد ایران به کار برده شوند.
- ۷- از این رو قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی مبتنی بر مناسبات غیر سرمایه‌داری، آن گونه که مورد نظر اقتصاد داخلی است ضروری می‌باشد. اما آنچه درباره اثرات سوء تعیین قیمت‌های جهانی برای کالاهای خدمات - در مورد کلیه کشورهای جهان سوم - صادق بود درباره ایران نیز صادق است. به طوری که در طی سال‌های گذشته شکل‌گیری روابط تجاری و همچنین میزان قدرت خرید حاصل از صادرات اغلب در حال سقوط بوده است^(۱). علاوه بر اینها به دلیل ارتباط تنگاتنگی که بین واردات

(۱) ر.ک: United Nations, Handbook of International Trade and Development Statistics. 1987. P.536.

وبخشهای مختلف اقتصادی وجود دارد ، تعیین قیمت بسیاری از کالاهای داخلی نیز تحت تاثیر قیمت کالاهای وارداتی قرار می‌گیرند . لذا به منظور کنترل واردات می‌باید قیمت گذاری کالاهای وارداتی اعمال گردد . بدین ترتیب دو وجه زمواردی را که منجر به قیمت گذاری کالاهای وارداتی گردید ، تشریح نمودیم . و به این نتیجه رسیدیم که این دو وجه به شرایط اقتصادی و تجارت جهانی مربوط است و قیمت گذاری کالاهای وارداتی فقط به منظور انطباق و پرهیز از زیان‌ناهایی است که این شرایط برای کشورهای مختلف به وجود می‌آورند که متاسفانه کمتر کشوری بدان توجه کافی مبذول داشته است . حال آنکه این مسأله برای هر کشوری که در پی استقلال اقتصادی و عدم وابستگی می باشد یک امر نهادی و ساختاری است . لذا آنچه بیشتر معمول و به کار گرفته می شود قیمت گذاری کالاهای وارداتی (با توجه به برخی مقتضیات اقتصادی داخلی) می‌باشد که عنوان بحث بعدی است که بدان می پردازیم .

قیمت گذاری کالاهای وارداتی از دیدگاه اقتصادی

کاهش عرضه و تولیدات ، افزایش تقاضا ، کاهش درآمدهای ارزی و بسیاری از مسائل دیگر قابلیت آن را دارند که اقتصاد را به ورطه تورم و افزایش قیمت‌ها سوق دهند . در این شرایط یکی از روشهایی که به منظور مهار و کنترل قیمت‌ها صورت می پذیرد قیمت گذاری کلیه کالاهای و خدمات (از جمله کالاهای وارداتی) می باشد . این امر بویژه ، هنگامی که واردات و بازرگانی خارجی سهم عمده‌ای از عرضه کل کالاهای و خدمات را به خود اختصاص می دهند ، ضرورت آشکارتری می‌یابد . بدیهی است در چنین شرایطی اگر تعیین قیمت کالاهای به طور آزادانه صورت پذیرد ، قیمت‌های تعیین شده

به نحو قابل ملاحظه‌ای با لای بوده و بر فشارهای تورمی افزوده خواهد گشت. البته در کشورهایی که سهم واردات نسبت به کل تولید ناخالص ملی اندک بوده و به عبارت دیگر اقتصاد داخلی از توان زیادی برخوردار است معمولاً از سیاستهای پولی و ارزی و همچنین پارهای از تدابیر گمرکی، بخصوص اگر افزایش قیمت‌ها موقتی و نه دائمی تلقی گردد، بدین منظور استفاده می‌شود. علاوه بر این ممکن است سیاستهای اقتصادی داخلی (نظیر کمک و حمایت از پارهای تولیدات داخلی) ایجاب نماید که قیمت‌کالاهای مشخصی که از مسیر بازرگانی خارجی وارد اقتصاد می‌گردند تحت کنترل، نظارت و حتی قیمت‌گذاری قرار گیرند. این امر می‌تواند در شرایط عادی و در هر اقتصاد نیز صورت پذیرد.

اما نکته بسیار مهم و قابل توجه در اینجا این است که علل مطرح شدن قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی از این دیدگاه فقط به شرایط و وضعیتهای خاص اقتصاد داخلی مربوط گردیده و به آنچه در موارد قبیل بدان پرداختیم ارتباط چندانی ندارد. در این مورد نیز به بررسی وضعیت اقتصاد ایران می‌پردازیم.

تجارب تلخ اقتصاد ایران (در زمینه افزایش قیمت‌ها و تورم) که به دلایل مختلف اقتصادی و غیر اقتصادی به وقوع پیوستند منجر به تجربه قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی گردیده است. دامنه این امر (در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) به دلیل استفاده از افزایش واردات به جای قیمت‌گذاری موثر، بسیار محدود بود. لیکن (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) با گسترش بیشتر ابعاد تورم و محدودیتهای متفاوتی که در زمینه افزایش واردات (کاهش درآمدهای ارزی - تحریم اقتصادی...) به وجود آمد، قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی را اجتناب‌ناپذیر ساخته و این امر بر طبق قانون برعهده‌ها زمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان محمول

گردید، که فعالیتهای سازمان مذکور نیز- در این زمینه- از اوائل سال ۱۳۶۵ آغاز گردید.

قیمت گذاری کالاهای وارداتی بر اساس ضوابط و دستورالعمل هایی که به تصویب مجمع عمومی سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان رسیده است صورت می پذیرد. روش قیمت گذاری بدین نحو است که ابتدا قیمت تمام شده کالاهای وارداتی بر اساس فرمول زیر محاسبه می گردد.

(۱)
۵ درصد قیمت + هزینه حمل + حقوق و عوارض + قیمت سیف = قیمت تمام شده کالای
سیف داخلی گمرکی کالا وارداتی

پس از محاسبه قیمت تمام شده با توجه به نوع کالا که در تعرفه گمرکی کالا مشخص است درصدهای مشخصی سود برای واردکننده، عمده فروش، خرده فروش منظور می گردد.

آنچه از پرداختن به نکات بالا مورد نظر می باشد توجه به این نکته است که در این روش (قیمت گذاری) قیمت های تعیین شده در بازار جهانی- به هر صورتی که شکل گرفته است- بدون هیچ اصلاح و تغییری مبنای قرار می گیرد، که این امر به معنای پذیرش چینی- نظامی جهت تعیین قیمت می باشد. در عین حال قیمت گذاری کالاهای وارداتی به دلیل آنکه سهم عمده ای از واردات (مربوط به مواد غذایی و مایحتاج صنایع)، تحت نظارت دولت می باشد، موفقیت های قابل ملاحظه ای را در برداشته است. این موضوع از تغییرات شاخص بهای عمده فروشی کالاهای وارداتی به خوبی مشخص است- جدول شماره ۵ شاخص بهای عمده فروشی کالاهای وارداتی را نشان می دهد.

(۱): ر.ک: وزارت بازرگانی، ضوابط تعیین قیمت کالاهای وارداتی، (تهران، سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان ۱۳۶۵)

جدول شماره ۶ - شاخصهای عمده فروشی کالاهای وارداتی ۱۳۲۷ - ۱۳۲۷

سال	۱۳۲۷	۱۳۲۸	۱۳۲۹	۱۳۳۰	۱۳۳۱	۱۳۳۲	۱۳۳۳	۱۳۳۴	۱۳۳۵
شاخصهای عمده - فروشی کالاهای وارداتی	۶۲/۹	۶۸/۱	۶۹/۲	۷۱/۷	۷۷/۹	۸۹/۰	۱۰۰	۱۰۲/۰	۱۱۰/۷
سال	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	۱۳۴۰	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴
شاخصهای عمده - فروشی کالاهای وارداتی	۱۲۲/۱	۱۳۷/۱	۱۵۷/۷	۱۹۱/۸	۲۱۱/۹	۲۳۲/۶	۲۵۲/۵	۲۶۵/۲	۲۸۱/۵

منبع: (۱) مرکز آمار ایران، سالنامههای آماری ۱۳۳۶ و ۱۳۳۸ و ۱۳۳۳.
 (۲) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شماره ۲۰۷ و ۲۰۸ به ماهه سوم و چهارم سال ۱۳۳۳ سال بیست و پنجم.

بر اساس آمارهای موجود در جدول فوق رشد متوسط سالانه قیمت عمده فروشی کالاهای وارداتی از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۴، کسب قیمت گذاری این کالاهای رایج گردیده است، حدود ۷/۴ درصد بوده است. در صورتی که همین رقم را برای کالاهای تولید و مصرف شده در کشور محاسبه نمائیم، رشد متوسط سالانه ۹/۷۷ درصد به دست می آید که نزدیک به ۴ درصد از رشد شاخص قیمت عمده فروشی کالاهای وارداتی افزونتر است. و این در حالی است که متوسط نرخ تورم قیمت های عمده فروشی در جهان و ایران طی این مدت به ترتیب ۱۲ درصد و ۱۲/۴ درصد بوده است. (۱)

لازم به تذکر است که همزمان با قیمت گذاری کالاهای وارداتی "به منظور حمایت از تولیدات داخلی و جلوگیری از سیستم چند نرخ سی و

(1): IMF., International Financial Statistics
Yearbook 1986, (Washington D.C., IMF, 1986) P.159.

و حمایت از مصرف‌کنندگان در قبال نوسانات نامتناسب قیمت‌ها به موجب بنده ۱ ماده ۷ اساسنامه قانونی سازمان (حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان) فهرست کالاهای مشمول مابه‌التفاوت را تعیین و بر اساس ضوابط مصوب شورای اقتصاد اقدام به محاسبه و دریافت مابه‌التفاوت می‌نماید " (۱) - این عمل تحت عنوان " قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی مشمول مابه‌التفاوت " آورده می‌شود .

قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی با توجه به معضلات اقتصادی داخلی - آن گونه که گذشت - به دلیل عدم لحاظ بسیاری از جنبه‌های اقتصاد و تجارت جهانی، به تجربه آسیب‌پذیری خود را نشان داده است . نوسان در نرخ ارزها (که از خصیصه‌های اقتصاد معاصر جهان است) ، نوسانات درآمدهای ارزی، نوسان قیمت جهانی کالاهای (به دلیل ماهیت تعیین قیمت سرمایه‌داری) و ... قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی را کسه بدون توجه به شرایط اقتصاد جهانی صورت می‌پذیرد تحت تأثیر قرار می‌دهد ، و بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که بسیاری از مسائل داخلی نیز تحت تأثیر مسائل اقتصادی جهانی قرار می‌گیرد (۲) که قبل از همه ضرورت یک قیمت‌گذاری همه‌جانبه را ایجاب می‌نماید .

به هر حال مقصود نهایی از ارائه مطالب فوق - صرف نظر از روشن نمودن مطلب - کسب نتایجی است که به طور اختصار به آنها اشاره می‌گردد :

(۱) : وزارت بازرگانی ، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان . (تهران ، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ، ۱۳۶۴) . ص ۱۹ .

(۲) : ر . ک : وزارت بازرگانی - سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان (تهران ، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ، ۱۳۶۵) . ص ۱ .

۱- کشورهای جهان سوم و از جمله کشور ایران مویا ید در بیــــن مسائل و مشکلاتشان اولویت بندی‌ها و زمان بندی‌ها را در نظر داشته باشند. اگر رهایی از وابستگی و کسب استقلال اقتصادی اولویت دارد لازم است تا به دقت حذف کانونهای ایجا دکننده و وابستگی راه‌دف قراردادده و در بلندمدت بدان دست یافت زیرا پذیرش قیمت‌های تعیین شده جهانی بدون اصلاح و تغییر متناسب آنها با اقتصاد داخلی، زمینه‌های مساعدی را برای گسترش وابستگی به وجود می‌آورد.

۲- رهایی از وابستگی و همچنین فائق آمدن بر تورم از طریق قیمت گذاری کالاهای وارداتی - به نحوی که به تمامی جوانب مسأله آن گونه که ذکر شد توجه شود- امکان پذیر است.

۳- پذیرش قیمت‌های تعیین شده جهانی و عدم قیمت گذاری آنها بر اساس ساخت اقتصاد داخلی در شرایط ویژه نیز نمی‌تواند مفید و مؤثر باشد.

۴- در ایران قیمت گذاری کالاهای وارداتی تنها به خاطر کنترل تورم داخلی صورت گرفته است و هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر یک تصمیم جدی به منظور اصلاح قیمت‌های تعیین شده در مناسبات کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته (هرچند ضروری بوده است) و سپس پذیرش آنها صورت نگرفته است. و از همین رو هرگونه حرکتی در اقتصاد ذاتاً "متغیر سرمایه‌داری، تکانه‌های شدیدی را به اقتصاد داخلی وارد می‌نماید. به طوری که قیمت گذاری کالاهای وارداتی را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۵- زمانی که معتقدیم: شیوه تعیین قیمت جهانی، منطبق با ارزشهای ما نیست می‌باید حداکثر تلاشمان را در جهت جلوگیری از نفوذ آن در اقتصاد داخلی بنمائیم و به جای تشویق اهرمهای اقتصادی

از طریق تحکیم و قبول چنین مناسباتی ، هدفهای اولی تری نظیر — استقلال اقتصادی و آئینده را مورد توجه قرار دهیم .

۶- از آنجا که واردات در کلیه بخشهای اقتصادی — که از ضعف مفرطی نیز رنج می‌برند — تأثیر می‌گذارد ، لذا رها بودن قیمت آن در واقع به معنای قراردادن بخشهای اقتصادی ، در دامان نوساتی است که از ظرفیت پذیرش و توانایی آنها بیشتر می‌باشد .

۷- در قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی می‌باید همه ابعاد مسأله را مورد توجه قرار دهیم .

۸- در صورت قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی — با در نظر گرفتن کلیه جوانب مسأله — هم از اقتصاد داخلی و هم از بازارگانی خارجی تصاویر دیگری خواهیم داشت که البته این امر در یک فرآیند حساب شده بلندمدت قابل حصول است .

۹- در حال حاضر نه تنها قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی — روشی که فعلاً رایج است — در تحت هر شرایطی ضروری است بلکه می‌باید آن را به گونه‌ای که اشاره شد کامل نمود .

